

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

منطق

مؤلف: وحید تمنا

مطابق با
آخرین تغییرات
کتاب درسی

شامل ۸۰۰ پرسش تشریحی، چهارگزینه‌ای



منطق پایه دهم

دوره دوم متوسطه

مؤلف: وحید تمنا

انسان و تفکر

ریز مباحث درس اول

ملاک برتری انسان	منطق چگونه چیزی هست؟
نطق	نتایج استفاده از علم منطق
نسبت تفکر با روح	نسبت ارسطو با منطق
منطق چگونه نیست؟	موضوعات حاشیه‌ای اما مهم
منطق چگونه چیزی هست؟	

ملاک برتری انسان

ملاک برتری انسان به سایر مخلوقات عالم در چیست؟

نظریه اول: ملاک برتری انسان نسبت به سایر مخلوقات «عمل» و «رفتار» انسان‌ها است.
نظریه دوم: قدرت «تفکر» ملاک برتری است. این ملاک در طول تاریخ، تکرار شده و عمومیت یافته است.
تا این‌جا فهمیدیم که «تفکر» معیار مناسب‌تری برای بیان تفاوت انسان و حیوان است.

نطق

منظور از نطق چیست؟

در هر کتاب منطقی یا فلسفی تا واژه‌ی «نطق» را دیدیم، باید بلافاصله بدانیم که منظور نویسنده از این واژه، «تفکر و تعقل» است.

به طور مثال اگر این جمله را در کتاب درسی دیدیم که نوشته است:

ارسطوئیان گفته‌اند که انسان «حیوان ناطق» است چون: خواسته‌اند جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار وجود انسان نشان دهند. به این معنی خواهد بود که انسان، حیوان اندیشمند و متفکر است.

الان شاید یک سؤال به ذهن شما برسد: رابطه‌ی «سفن گفتن» با مفهوم منطقی و فلسفی «نطق» چیست؟ ما که نطق را در معنای سفن گفتن به کار می‌بردیم در حالی که الان در معنی تفکر به کار می‌بریم. آیا رابطه‌ای ندارند یا رابطه‌ای دارند؟ ابتدا می‌گوییم که یکی از سؤال‌های خوبی که از این درس می‌توان طراحی کرد مانور طراح سؤال بر همین تفاوت است:

«تفکر و تعقل در سخن گفتن تجلی می‌کند.»

معنای این جمله را با دقت کشف کنید: «ما می‌اندیشیم و در این حالت به ما گفته می‌شود انسان ناطق! حال اندیشه‌مان را بر زبان می‌آوریم در این صورت تفکر و اندیشه‌ی مان در سخن گفتن متجلی شده است.»

الان باید سه سؤال را بتوانید جواب دهید:

۱. منظور از نطق چیست؟



خودتان را جای طراح سؤال بگذارید

تفکر، سخن گفتن، روح، ذات، ذهن
بیابید همین‌ها مقایسه کنیم که این ۵ واژه چه تفاوت‌های با هم دارند یا چه سؤالی بیاید چه یوایی بدهیم:

۱. نطق به چه معنایی است؟ تفکر
۲. رابطه‌ی سخن گفتن و تفکر؛ تفکر در سخن گفتن تپلی می‌کند
۳. رابطه‌ی روح و تفکر؛ «تفکر» مهم‌ترین فعالیت «روح» انسان است.

۴. منطق از کجا سرپشمه می‌گیرد؟ «ذات انسان»
۵. رابطه‌ی ذهن و تفکر و منطق؛ منطق، دانشی است که طرز کار «ذهن» را در عمل «تفکر» تشریح می‌کند.

دوست عزیز! یادت باشد که طراح سؤال می‌تواند گزینه‌های غلط را دقیقاً از این واژه‌ها برای هر کدام استفاده کند. به طور مثال در مورد شماره چهار گزینه غلط را روح بگذارد و اگر ما تفاوت روح و ذات را برای فهمان در سؤال‌های فوق درونی نکرده باشیم احتمال غلط جواب دادن ما بیش‌تر می‌شود.

۲. نطق و سخن گفتن را مقایسه کنید؟

۳. چه کسانی به انسان، حیوان ناطق گفته‌اند و منظورشان از بیان این موضوع چه بود؟

اگر به این سه سؤال جواب دارید بروید ادامه بحث را بفواید. (پاسخ هر سه سؤال در پاراگراف‌های بالا موجود است.)

نسبت تفکر با روح

دوستان لطفاً به این سؤال ابتدا دقت کرده و سپس پاسخ دهید: «کدام بخش از وجود ما اگر نبود، تفکر نیز صورت نمی‌پذیرفت؟»

اگر این سؤال در کتاب روان‌شناسی شما طرح می‌شد شما پاسخ می‌دادید، **مغز انسان!**

اگر این سؤال در منطق پرسیده شود پاسخ خواهد بود: **روح انسان!**

این چند نکته‌ی زیر را نیز به خاطر بسپارید:

- «تفکر» مهم‌ترین فعالیت «روح» انسان است.
- چه بخواهیم و چه نخواهیم موجودی **متفکر** هستیم.
- پس: فکر کردن فرایند **طبیعی** و خودبه‌خودی است.
- **ذهن** انسان با اندیشه کردن **زنده** است و کاری جز تفکر ندارد.
- **تفکر** ضوابطی دارد که ذهن، به طور **طبیعی** آن را رعایت می‌کند.
- یک موضوع مهم را بگوییم و بروم سر تیتیر بعدی. ما تفکر کردن یا اندیشیدن را یاد نمی‌گیریم، بلکه آن را در **درون** خود داریم و منطق، «روش‌های درست اندیشیدن» را به ما نشان می‌دهد.

منطق چگونه چیزی نیست؟

منظور من از تیتیر فوق این است که در مورد منطق چه جملاتی را نمی‌توان بیان کرد و به زبان دیگر، آنچه در مورد منطق صدق نمی‌کند، کدام است:

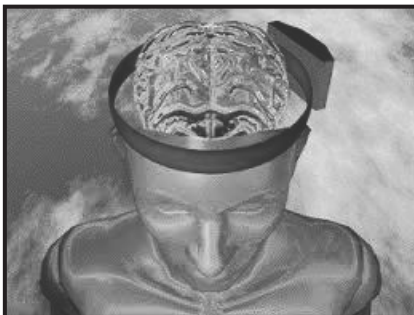
۱. منطق، برنامه‌ای نیست که یک دانشمند، بسازد.
۲. منطق، ابداع کننده ندارد.
۳. منطق، طراح و سازنده ندارد.

منطق چگونه چیزی هست؟

الان وقت این است که بگوییم منطق چگونه چیزی هست؟ و به زبان دیگر:

آنچه در مورد منطق صدق می‌کند کدام است:

۱. منطق از **ذات** انسان سرچشمه می‌گیرد.
۲. منطق **قواعد** حاکم بر تفکر است.
۳. منطق، **دانشی** است که طرز کار «**ذهن**» را در عمل «**تفکر**» تشریح می‌کند.
۴. دانش منطق بهره‌برداری **بهتر** از فرایند **طبیعی تفکر** است.



واژگان کلیدی:

۱. واژگان کلیدی نتایج استفاده از منطق؛
 ۲. کشف ضوابط ذهن
 ۳. کاربرد ضوابط در تفکر
 ۴. تسریع و بهبود تفکر
 ۵. جلوگیری از کندی و نارسایی تفکر

نتایج استفاده از علم منطق

- در صورتی که از علم منطق استفاده کنیم به چه نتایجی می‌رسیم؟
 چهار مورد را از کتاب درسی برای شما پیدا کردم:
 ۱. کشف کردن ضوابطی که ذهن دارد،
 ۲. نشان دادن کاربرد آن ضوابط در تفکر،
 ۳. کشف کردن عواملی که باعث تسریع و بهبود تفکر می‌شود،
 ۴. کشف کردن عواملی که باعث کندی و نارسایی تفکر می‌شود.

نسبت ارسطو با منطق

در کتاب درسی چند سال پیش ارسطو را مبدع منطق می‌دانستند اما در این کتاب فعلی ارسطو به عنوان کاشف مطرح شده است و به همین دلیل در امتحان‌های تشریحی و تستی از این بخش به طور معمول سؤال طراحی شده است و هم‌چنان باز طرح سؤال خواهد شد:

- ارسطو «کاشف» و «تدوین‌کننده‌ی» منطق است.
- ارسطو «نشان‌دهنده‌ی چگونگی فعالیت ذهن و اشتباهات آن» است.
- ارسطو «روش جبران برخی از اشتباهات ذهن را در جریان تفکر» نشان می‌دهد.

موضوعات حاشیه‌ای اما مهم

۱. «روح» و «جسم» هر دو بر اساس قوانین خاص فعالیت می‌کنند.
۲. فعالیت‌های «روح» و «جسم» هر دو هدف‌دار و قانونمند است.
۳. ارسطو:
 - فیلسوف یونانی در سده‌ی چهارم قبل از میلاد است
 - معلم اول نامیده می‌شود.
 - در تاریخ فلسفه به کسانی که مبانی اصلی فلسفه‌ی ارسطو را پذیرفته‌اند، ارسطوئیان می‌گویند.

پرسش‌های تشریحی

تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام عبارت نادرست است

درست نادرست

۱. ملاک برتری انسان نسبت به سایر مخلوقات «عمل» و «رفتار» انسان‌ها است.
۲. فقط ملاک «تفکر» در تفاوت انسان با سایر موجودات در طول تاریخ، تکرار شده و عمومیت یافته است.
۳. همهی فیلسوفان گفته‌اند که انسان «حیوان ناطق» است.
۴. سخن گفتن معانی دیگر تفکر و تعقل است.
۵. «تفکر» مهم‌ترین فعالیت «ذهن» انسان است. (امتحان نهایی شه‌ریور ۹۴)
۶. چه بخواهیم و چه نخواهیم موجودی متفکر هستیم.
۷. روح انسان با اندیشه کردن زنده است و کاری جز تفکر ندارد.
۸. ذهن انسان درست مثل قلب است، از این جهت که به طور طبیعی ضوابط تفکر را رعایت می‌کند.
۹. ارسطو کاشف قواعد منطق است، مثل نیوتن که کاشف جاذبه است. (امتحان نهایی فر‌داد ۹۳)
۱۰. ارسطو طراح و ابداع‌کننده قواعد منطق است. (امتحان نهایی دی ۹۳)

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید (واژگان کلیدی)

۱۱. منطق از ذات بشر سرچشمه می‌گیرد، لذا ارسطو ابداع‌کنندهی منطق (امتحان نهایی شه‌ریور ۹۳)
۱۲. ارسطویان انسان را تعریف کرده‌اند.
۱۳. قواعد حاکم بر دنیای تفکر، نام دارد. (امتحان نهایی فر‌داد ۹۲)
۱۴. دانشی که طرز کار ذهن را در عمل تفکر تشریح می‌کند، نام دارد. (امتحان نهایی شه‌ریور ۹۲)
۱۵. تفکر ضوابطی دارد که ذهن، به طور آن را رعایت می‌کند.
۱۶. منطق، برنامه‌ای که یک دانشمند، بسازد.
۱۷. فایده‌ی منطق کشف کردن عواملی است که باعث تفکر می‌شود.
۱۸. فعالیت‌های «روح» و «جسم» هر دو و است.
۱۹. در تاریخ فلسفه به کسانی که فلسفه‌ی ارسطو را پذیرفته‌اند، ارسطوئیان می‌گویند.
۲۰. ارسطو را نامیده‌اند و او فیلسوف قرن چهارم از میلاد است.

موارد سمت راست را با موارد سمت چپ انطباق دهید

۲۱. یک مورد اضافی است.
- | | | | |
|-----------------------------------------|---|---|---------------------------------|
| ارسطو | ○ | ○ | منطق |
| ارسطو، نشان‌دهنده‌ی | ○ | ○ | چگونگی فعالیت ذهن و اشتباهات آن |
| تفکر | ○ | ○ | مهم‌ترین فعالیت روح انسان |
| عاملی که باعث تسریع و بهبود تفکر می‌شود | ○ | ○ | کاشف منطق |
| | ○ | ○ | ذهن |

به پرسش‌های زیر پاسخ‌های کوتاه دهید

۲۲. «روح» و «جسم» هر دو بر چه اساسی فعالیت می‌کنند؟
۲۳. منطق از چه چیز انسان سرچشمه می‌گیرد؟
۲۴. منطق، طرز کار چه چیزی را در عمل تفکر تشریح می‌کند؟
۲۵. فعالیت‌های «روح» و «جسم» دو ویژگی دارند، آن دو را نام ببرید.

به پرسش‌های زیر پاسخ‌های کامل دهید

۲۶. نظریه‌های مربوط به ملاک برتری انسان به سایر مخلوقات عالم را بنویسید؟
۲۷. در صورتی که از علم منطق استفاده کنیم به چه نتایجی می‌رسیم؟
۲۸. ارتباط منطق و ارسطو را به طور دقیق تشریح کنید.
۲۹. ارسطوئیان را تعریف کنید.

سوال‌های کنکور و تکمیلی

۳۰. به ترتیب بگویید «کدام ملاک از میان ملاک‌های برتری انسان نسبت به سایر مخلوقات دارای عمومیت بیش‌تری است» و کدام ملاک «در طول تاریخ تکرار شده است»؟
- تکانش- ترکیبی
- ۱ تفکر - عمل ۲ عمل - عمل ۳ تفکر - تفکر ۴ عمل - رفتار
۳۱. کدام یک از گزینه‌های زیر رابطه‌ی تفکر و تعقل با سخن گفتن را به درستی بیان می‌کند؟
- تکانش- مفهومی
- ۱ تفکر عملی است که در ذهن شکل می‌گیرد ولی سخن گفتن عملی است که جسم انجام می‌دهد.
۲ تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان است و سخن گفتن مهم‌ترین فعالیت جسم انسان است.
۳ تفکر فرایندی طبیعی و خودبه‌خودی است که در سخن گفتن متجلی می‌شود.
۴ تفکر کارکرد آگاهانه ذهن است که در سخن گفتن متجلی می‌شود.
۳۲. کدام یک از گزینه‌های زیر نسبت تفکر را با روح به درستی بیان می‌کند؟
- مفهومی
- ۱ تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان است و دارای ضوابطی است که ذهن به شکل آگاهانه آن‌ها را از محیط کسب می‌کند.
۲ تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان متعالی است و انسان برای به دست آوردن این توانایی نیاز به اصول منطق دارد.
۳ تفکر فرایندی طبیعی و خودبه‌خودی است و انسان برای به دست آوردن این توانایی نیاز به اصول منطق دارد.
۴ تفکر فرایندی طبیعی و خودبه‌خودی است و دارای ضوابطی است که ذهن به طور طبیعی آن را رعایت می‌کند.
۳۳. تفکر از فعالیت کدام بخش از وجود انسان ناشی می‌شود و چگونه فرایندی دارد؟
- مفهومی
- ۱ روح - طبیعی ۲ ذهن - طبیعی ۳ عقل - اکتسابی ۴ مغز - اکتسابی
۳۴. اساس اندیشیدن ... است و نقش دانش منطق بهره‌برداری بهتر از فرایند ... اندیشیدن است.
- مفهومی
- ۱ غیرارادی - طبیعی ۲ ارادی - طبیعی ۳ غیرارادی - آگاهانه ۴ ارادی - آگاهانه
۳۵. منطق برنامه‌ای ... که یک دانشمند می‌سازد، منطق ابداع‌کننده ... و منطق از ... سرچشمه می‌گیرد.
- تکانش- مافطه‌ای
- ۱ نیست-ندارد-ذات انسان ۲ نیست-دارد-ذات انسان ۳ است-دارد-روح انسان ۴ است-ندارد-روح انسان
۳۶. منطق از ... انسان سرچشمه می‌گیرد و طرز کار ... را در ... تشریح می‌کند.
- تکانش
- ۱ ذات - ذهن - عمل تفکر ۲ عقل - ذهن - استدلال ۳ ذات - روح - عمل تفکر ۴ عقل - روح - استدلال
۳۷. عبارت «منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد» به چه معنایی است؟
- تکانش
- ۱ از خطاهای منطقی‌گریزی نیست.
۲ دانش و علم انسان قادر به شناخت آن نیست.
۳ اراده‌ی انسانی در توجه به آن نقشی ندارد.
۴ دانش و علم انسان در ایجاد آن نقشی ندارد.
۳۸. کدام یک از گزینه‌های زیر از نتایج استفاده از دانش منطق نیست؟
- تکانش
- ۱ کشف کردن ضوابط ذهن ۲ کشف کردن عواملی که باعث تسریع و بهبود تفکر می‌شود.
۳ نشان دادن کاربرد ضوابط تفکر در ذهن ۴ کشف کردن عواملی که باعث کندی و نارسایی تفکر می‌شود.
۳۹. ارسطو، مبدع علم منطق ... و انسان منطقی ... قوانین و ضوابط منطق است و آن‌جا که هدف انسان درک چستی یک مفهوم باشد، دست به دامان ... می‌شود.
- سراسری- ۹۰
- ۱ است - کاشف - تعریف ۲ است - مدون - استدلال ۳ نیست - مدون - استدلال ۴ نیست - کاشف - تعریف
۴۰. در مورد «روح» و «جسم» کدام گزینه صحیح نیست؟
- تکانش
- ۱ فعالیت‌های هر دو هدف‌دار است.
۲ «روح» همراه با هدف متعالی ولی «جسم» با هدف غیر متعالی است.
۳ «روح» و «جسم» براساس قوانین متفاوت فعالیت می‌کنند. ۴ فعالیت‌های هر دو قانونمند است.
۴۱. ارسطو فیلسوف بزرگ یونان در سده‌ی ... است که وی را ... نیز می‌نامند و در تاریخ فلسفه به کسانی که مبانی اصلی ... او را پذیرفته‌اند، ... می‌گویند.
- تکانش- مافطه‌ای
- ۱ چهارم قبل از میلاد - معلم ثانی - منطق - ارسطوئیان ۲ چهارم بعد از میلاد - معلم ثانی - منطق - سوفسطائیان
۳ چهارم قبل از میلاد - معلم اول - فلسفه - ارسطوئیان ۴ چهارم بعد از میلاد - معلم اول - فلسفه - سوفسطائیان

چگونه تعریف کنیم؟

ریز مباحث درس دوم

رابطه‌ی انتخاب، اراده و فکر کردن	دو مقایسه
مقصد تفکر	موضوع و هدف علم منطق
تقسیم‌بندی علم و ادراک	رابطه‌ی علم منطق و تعریف
تصور و تصدیق	موضوعات حاشیه‌ای اما مهم
تعریف	

رابطه‌ی انتخاب، اراده و فکر کردن

لطفأً با پر کردن جای خالی از کلمات داخل پرانتز برخی از مطالب درس قبل را دوره کنید:
فکر کردن ذاتی انسان ... (است یا نیست) و ... (می‌توان یا نمی‌توان) به کمک اراده، اندیشیدن یا نیاندیشیدن را ... (انتخاب یا اجبار) کرد.

پاسخ خودتان را با جمله‌ی زیر مقایسه کنید و امیدوارم همه را درست گفته باشید:
فکر کردن **ذاتی** انسان است و **نمی‌توان** به کمک **اراده**، اندیشیدن یا نیاندیشیدن را **انتخاب** کرد.
خوب! اگر جمله‌ی فوق را قبول کنیم در این صورت آیا انتخابی داریم و اگر داریم آن چه ما می‌توانیم انتخاب کنیم چه مواردی است؟

پاسخ این است که در دو مورد زیر حق انتخاب داریم:

۱. **موضوعات** تفکر را می‌توانیم انتخاب کنیم.

۲. با **اراده‌ی** خود می‌توانیم تفکر خود را **سامان** دهیم تا **کم‌تر** دچار **اشتباه** شویم.

مقصد تفکر

تفکر برای رسیدن به چیست؟

۱. تفکر برای رسیدن به «دانش» و «شناخت» است. ۲. تفکر برای «توسعه‌ی علم» است.

تقسیم‌بندی علم و ادراک

رسیدیم به یکی از مهم‌ترین بخش‌های کتاب منطق که همیشه یا سؤال مستقیم از آن طرح می‌شود و یا سؤال غیر مستقیم. با دقت بخوانید و تمام تمرین‌هایی که مرحله به مرحله رفته‌ام، یاد بگیرید. اولین کارمان این است که موضوع زیر را درک کنیم:

علم و ادراک به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند: ۱. **تصور** ۲. **تصدیق**

حال تصور چیست؟ و تصدیق چیست؟ لطفأً دقت کنید که تصور با تصدیق چه تفاوت‌های دارد.

تصور و تصدیق

در کتاب درسی برای تصور تعریفی ارائه نکرده است و در واقع آن را توضیح داده است. انگار به طور عملی نویسنده کتاب درسی از ما خواسته است برای درک تصور بگوییم که: هر چیزی تصدیق نباشد، پس تصور خواهد بود. می خواهیم با روش بسیار ساده این موضوع را به شما یاد بدهم:

من می گویم: «درخت». این یعنی تصور. حالا می گویم «سبز». سبز هم تصور است. حالا می گویم: «درخت سبز است». این یعنی تصدیق. چرا که بین دو تصور «درخت» و «سبز» ارتباط و نسبتی برقرار کرده‌ام. در تمامی تصدیق‌ها حتما قضاوت و حکمی صادر شده است. در این مثال شما می توانید بگویید که این درخت سبز نیست مثلا قهوه‌ای است چرا که گوینده قضاوتی کرده است و شما می توانید قضاوت وی را قبول یا نفی کنید ولی اگر شما همین طوری کلمه‌ی درخت را بشنوید، اگر بشناسید؛ آن را در ذهنتان تصویر می‌کنید ولی به هر حال قضاوت نمی‌کنید. یک مرحله بالاتر برویم: من می گویم: «درخت سبز». این هنوز اشاره به تصور دارد نه تصدیق. چون میان درخت و سبز نسبتی برقرار نکرده‌ام. پس تا الان متوجه شده اید که اگر بگوییم «درخت سبز خیابان سعدی» باز هم با تصور سر و کار داریم.

جمع‌بندی کوچکی با هم داشته باشیم و بعد چند تمرین بکنیم:
تصدیق دو ویژگی دارد: ۱. قضاوت و حکمی را می‌رساند. ۲. دارای فعل ربطی است (نسبت)

در مثال‌های زیر تعیین کنید که کدام یک از موارد، تصور و کدام یک تصدیق هستند.

۱. خیابان:
۲. خط راست:
۳. کتاب منطق من:
۴. هوا ابری است:
۵. تو از شب‌های خنک تابستان کیف می‌کنی:
۶. بیابان کویر لوت ایران:
۷. سرودی بر مردی که زیر باران راه می‌رفت:
۸. آسیاب‌های بادی خیال من:

پاسخ‌ها:

۱ و ۲ و ۳ و ۶ و ۸: تصور هستند چون هیچ‌کدام چیزی را به چیزی نسبت نمی‌دهند.

۴ و ۷: تصدیق هستند چون چیزی را به چیزی نسبت می‌دهند یا به طور آشکار مانند مثال ۴: ابری بودن را به هوا نسبت می‌دهد؛ یا به طور غیر مستقیم نسبت می‌دهد، مانند مثال ۷ که در واقع چنین است: این سرود برای مردی که زیر باران راه می‌رود، است.

مثال ۵ چطور؟ آیا تصدیق نیست؟ بیش‌تر شما این مثال را تصدیق دانسته‌اید چرا که فکر کرده‌اید هر مثالی که جمله باشد تصدیق است. در حالی که چنین نیست. دو دلیل دارم: ۱. این جمله را به هیچ شکلی نمی‌توان با فعل ربطی تمام کرد. اگر بگویید: تو در حال کیف کردن از هوای خنک تابستان هستی. «هستی» در این جا به معنی «وجود دارد» است و فعل ربطی نیست. ۲. یک راه دیگر برای این که بفهمیم این جمله تصدیق نیست: این جمله قضاوت و حکمی را نمی‌رساند. چرا؟ چون زمانی یک جمله قضاوت و حکمی را می‌رساند که بتوان آن را صادق یا کاذب دانست این جمله نمی‌تواند غلط یا درست دانسته شود چرا که این جمله بیانگر احساس لذت یک نفر است و درستی و غلط نمی‌تواند برایش بیان کرد.

چند نکته‌ی حاشیه‌ای ولی مهم در مورد تصور:

۱. هنگام تصور یک مفهوم، کاری نداریم که آن مفهوم، واقعیت دارد یا ندارد.
۲. هنگام تصور یک مفهوم، کاری نداریم که آن مفهوم رابطه‌ای با واقعیات دیگر دارد یا ندارد.
۳. با فکر کردن از نوع تعریف است که به یک تصور، علم پیدا می‌کنیم.



مفهوم و مصداق:

حالا می‌خواهم معنای «مفهوم» و «مصداق» را بگویم و بعد بروم سراغ تمرین: یک دایره را فرض کنید که نام آن را می‌گذاریم دایره‌ی درخت و با A نشان می‌دهیم و تمامی انواع درخت که در تمام کره‌ی زمین وجود دارند نقطه‌های درون دایره‌ی درخت ما هستند. به تمام آن مواردی که در واقعیت، درخت می‌گوییم مصداق درخت گفته می‌شود.

حال در نظر بگیریم که می‌خواهیم بگوییم درخت سرو. اولین اتفاقی که می‌افتد این است که دایره‌ی A کوچک‌تر می‌شود. یعنی مصداق درخت سرو کم‌تر از مصداق درخت است.

خوب! اگر بگوییم «درخت سرو حیاط خانه‌ی ما» این دایره از دایره بودن تبدیل به یک نقطه می‌شود. چرا؟ چون خانه‌ی ما فقط یک درخت سرو دارد.

آن چه تا الان گفتیم در مورد دو واژه کلیدی است که متأسفانه فرض شده است شما باید از اول آن را می‌دانستید و در کتاب درسی توضیحی نداده است؛ ولی برای درک تصور و تصدیق و تصور جزئی و کلی (در درس بعدی) بسیار لازم داریم.

پس **مصداق** می‌شود «آن چه مفهوم در عالم خارج از ذهن ما به آن اشاره می‌کند.» (به من بگویید که مصداق خانه

چیست؟ درست گفتید تمام خانه‌هایی که در هر کجای زمین هستند.)

حالا برویم سراغ درک «مفهوم». هر مفهومی در ذهن ما برای این که شناخته شود و با بقیه مفهوم‌ها **تمایز** داشته باشد، باید دارای اجزایی باشد (اصطلاحاً می‌گوییم **اجزای عقلی**). بیاید مفهوم مثلث را در نظر بگیریم. ما برای درک مفهوم مثلث باید اجزایی را بشناسیم که اگر آن اجزا را بشناسیم، مثلث را شناخته‌ایم. اگر بدانیم «شکل» و «سه ضلعی» چیست، آن وقت می‌فهمیم مثلث، «شکل سه ضلعی» است.

حالا بیاید به کمک کتاب درسی خود از صفحه ی ۷، اجزای تصورات زیر را در جاهای خالی پر کنید (تعداد جاهای خالی را دقیق گذاشته‌ام، دقت کنید):

مستطیل: «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....».

گروه: «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....»، «.....».

پاسخ‌ها:

مستطیل: «شکل»، «چهار»، «ضلع»، «دو به دو»، «موازی»، «مساوی»، «زاویه»، «فائمه»

گروه: «اجتماع»، «افراد»، «زندگی»، «کنار هم»، «هدف»، «واحد»

تا الان باید چه چیزی یاد گرفته باشیم؟ این چهار مورد زیر را!

۱. تصور و تصدیق چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

۲. روش تشخیص تصور از تصدیق و بالعکس چیست؟

۳. مصداق یعنی چه؟

۴. هر مفهومی با مفهوم دیگر در چه چیزهایی می‌تواند اشتراک و تفاوت داشته

باشد؟



یک نکته‌ی مهم و جالب:

آیا همه‌ی مفاهیم دارای مصداق هستند؟ شما در جای خالی چه چیزی نوشتید؟ باید گفته باشید: خیر!
مفاهیم در واقع دو دسته هستند: ۱. مفاهیم واقعی ۲. مفاهیم غیر واقعی
مفاهیم غیر واقعی دارای مصداق **نیستند** یعنی در واقعیت وجود ندارند و به وسیله‌ی تخیل یا توهم ما ساخته می‌شوند مانند: دیو، سیمرغ و ...
مفاهیم واقعی، مفاهیمی هستند که در واقعیت وجود دارند.

الان می‌رویم سراغ یک بحث بسیار مهم که همیشه در امتحان‌های نهایی و کنکور از آن سؤال می‌آید: مبحث تعریف

تعریف

هرگاه ما در مورد «چستی» یک مفهوم و یک تصور سؤال بپرسیم؛ این عمل، «**تعریف**» نامیده می‌شود.
مثال: مثلث چیست؟ در پاسخ از دو تصور «شکل» و «سه ضلعی» استفاده می‌کنیم و به کمک این دو تصور یا مفهوم یا اجزای عقلی، چستی مثلث را درک می‌کنیم.
الان متوجه شدیم که چرا در چند سطر بالا مثال‌های یافتن اجزای یک مفهوم را توضیح دادیم و از شما خواستیم دو تا تمرین حل کنید.

به این مبحث **شش دانگ** توجه کنید: اول می‌فواهم بگویم چه راه‌هایی برای شناختن یک مفهوم داریم و بعد اهمیت تعریف و بقیه موارد. برویم با رویه‌ی **ی‌بگننده** برای فهمیدن یک سؤال قطعی **کنکور** که از این بحث می‌آید.



راه‌های شناساندن یک مفهوم:

۱. روش اول: نشان دادن، ۲. روش دوم: تعریف کردن

روش اول: «نشان دادن»

در این روش نمونه خارجی و مصداق را نشان می‌دهیم. به طور مثال فردی از ما می‌پرسد سیب چیست؟ ما سیب واقعی را به او نشان می‌دهیم و می‌گوییم این سیب است.

روش دوم: «تعریف کردن»

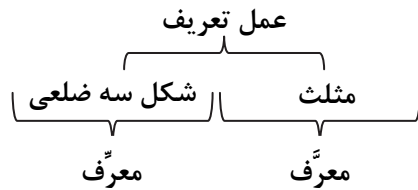
جلوتر توضیح خواهیم داد.

اهمیت تعریف:

۱. **توسعه‌ی دانش** در طول زندگی‌مان به کمک تعریف انجام می‌پذیرد.
۲. تعریف مفاهیم هر علمی، **دروازه‌ی ورود** به آن علم است.

انسان عمل «تعریف» را در چه زمان‌هایی انجام می‌دهد؟

عمل تعریف، اختصاص به مراحل اولیه‌ی زندگی **ندارد**، بلکه ما تا آخر عمر به دفعات فراوان از این توانایی ذهن استفاده می‌کنیم.
تعریف تعریف: ما به کمک مفاهیمی که می‌شناسیم، مفهومی را که برای ما مجهول است، مورد شناسایی قرار می‌دهیم. در این صورت پس ما با دو مورد سر و کار داریم یکی چیزی که برای ما «**مجهول**» است و دوم چیزهایی که برای ما «**معلوم**» هستند و با مجهول رابطه دارند. این دو مورد، نام‌هایی در منطق دارند که دقیق آن‌ها را به خاطر بسپارید.



معرف: مفهومی که می‌خواهیم تعریف کنیم و برای ما مجهول است.
معرف: مفاهیم معلومی که به کمک آن‌ها مجهول را تعریف می‌کنیم.
 حال به مهم‌ترین بخش این درس رسیدیم، در این بخش باید بفهمیم که یک تعریف در چه شرایطی صحیح خواهد بود و در چه شرایطی ناقص و یا غلط.

قواعد پنج‌گانه‌ی تعریف در منطق ارسطویی:

• قاعده‌ی اول: روشن بودن معرف نسبت به معرف

«مفاهیمی که در معرف به کار می‌بریم، برای مخاطب روشن‌تر از مفهوم معرف باشد = مبهم نباشد.»
 جمله‌ای که در بالا خواندید به اندازه‌ی کفایت دشوار بیان شده است ولی متأسفانه متن آن را باید به خاطر بسپارید. پس اگر الان موضوع را ساده‌گفتم و شما نیز آن را یاد گرفتید، فراموش نکنید که باید جمله دشوار بالا در خاطرتان حک شود.
 خوب! جمله‌ی بالا چه مفهومی را می‌خواهد بگوید؟ می‌خواهد بگوید اگر از تو خواستم «سیب» را تعریف کنی تو در تعریفی که ارائه می‌کنی از کلمات اجق و جق استفاده نکن که از خود مفهوم سیب دشوارتر باشد و لطف کن جوری تعریف کن که من آن کلمات را بلد باشم.

مثال زیر را به دقت بخوانید:

مثال: اگر در تعریف «جابه‌جایی» بگوییم: «دوران حول مرکز به طریقی که چیزی که هست به نیست مبدل شود» در واقع از مفهیمی استفاده کردیم که از خود «جابه‌جایی» مبهم‌تر هستند، پس قاعده‌ی اول را رعایت نکرده‌ایم.
 برای قاعده‌ها می‌خواهم نام‌هایی به کار ببرم که به سادگی در خاطر شما بماند:

قاعده‌ی اول: قاعده‌ی روشن بودن – آشکار بودن

• قاعده‌ی دوم: مرتبط بودن مفاهیم به کار رفته در تعریف (= معرف) با معرف

«وقتی می‌خواهیم مجهولی را تعریف کنیم از مفاهیمی استفاده کنیم که به آن مجهول ربط داشته باشند»
 نمی‌شود که از من بخواهند «سیب» را تعریف کنم و من در جواب از کلمات «دیوار»، «چراغ» و ... استفاده کنم که ربطی به «سیب» نداشته باشند.
 مثال: اگر در تعریف «روح» بگوییم: «سیالیت سوزان پیچیده در درون» از واژه‌هایی استفاده کردیم که ربطی به مجهول ندارند، پس قاعده‌ی دوم را رعایت نکرده‌ایم.

نام ساده‌ی قاعده‌ی دوم: قاعده‌ی ربط

• قاعده‌ی سوم: استفاده از حداقل یک مفهوم درونی در تعریف

«وقتی مفهومی را می‌خواهیم تعریف کنیم باید از مفهیمی استفاده کنیم که همه یا بخشی از محتوای **درونی** مفهوم مجهول را در بر بگیرند.» (متأسفانه مجبورم مفهوم درونی را در درس‌های بعدی توضیح بدهم).
 «اگر از مفاهیم درونی (که همان ذاتی نامیده می‌شوند و در درس‌های بعد توضیح می‌دهم) در تعریف استفاده نکنیم، مجهول به معلوم تبدیل نمی‌شود و تعریف دقیقی ارائه نمی‌شود.»

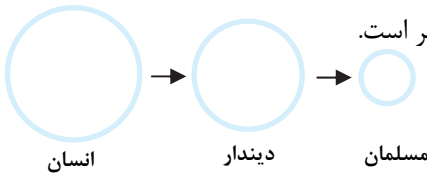
مثال: اگر در تعریف «انسان» بگوییم: «دانشمند راست قامت» از دو مفهومی استفاده کردیم که هر دو از مفاهیم درونی انسان به حساب نمی‌آیند. چرا که اگر انسانی دانشمند نباشد و یا راست قامت نباشد هم چنان انسان محسوب می‌شود، پس این دو مفهوم از مفاهیم بیرونی انسان هستند، پس قاعده‌ی سوم را رعایت نکرده‌ایم.

نام ساده‌ی قاعده‌ی سوم: قاعده‌ی درونی

• قاعده‌ی چهارم: حرکت از «کلی و عام» به «جزئی»

«تعریف باید از مفاهیم **عام** شروع شود و رفته رفته به سمت مفاهیم **جزئی** پیش برود.»

مثال: اگر در تعریف مسلمان بگوییم: «معتقد به اصول دین اسلام که انسان باشد». این تعریف این شرط را رعایت نکرده است چرا که «انسان» از «معتقد به اصول دین اسلام» کلی‌تر و عام‌تر است.
به این شکل دقت کنید موضوع دستتان می‌آید:



همان‌طور که حدس زدید انسان مفهومی عام‌تر است یعنی مصادیق بیشتری نسبت به معتقدان به دین دارد و معتقدان به دین نیز تعداد بیشتری نسبت به معتقدان به دین اسلام هستند. پس در بیان کردن تعریف، اول از عام شروع می‌کنیم و به سمت خاص می‌رویم.

• قاعده‌ی پنجم: جامع و مانع بودن تعریف = مساوی بودن معرف با معرف

«جامع: معرف باید مجهول را به طور کامل برای ما روشن کند، نه این که برخی از ویژگی‌های مجهول را روشن کند و برخی دیگر را در نظر نگیرد.» به عبارت دیگر یک تعریف باید شامل تمام مصادیقی باشد که معرف را شامل می‌شود.
«مانع: معرف نباید بعضی از ویژگی‌های بی‌ارتباط را شامل بشود.» به عبارت دیگر یک تعریف نباید شامل افرادی غیر از افراد معرف باشد.

مثال: اگر در تعریف دایره بگوییم: «شکلی است که اطراف آن خط راست نیست»، این تعریف شامل همه‌ی دایره‌ها می‌شود ولی علاوه بر دایره شامل موارد دیگر نیز می‌شود مانند بیضی. پس این تعریف «جامع» هست ولی «مانع» نیست.
مثال: اگر در تعریف مثلث بگوییم: «شکل سه ضلعی که دو ضلع آن با هم برابرند»، این تعریف شامل همه‌ی مثلث‌ها نمی‌شود چرا که فقط مثلث‌های متساوی الساقین چنین ویژگی دارند پس «جامع» نیست ولی جز مثلث‌ها شامل هیچ شکل دیگری نمی‌شود پس «مانع» هست.


این موضوع اخیر را حتما می‌خواهم قبل از تست زدن، تمرین کنید. تمرین‌های زیر را با دقت حل کنید:
از ساده شروع می‌کنیم تا به دشوار برسیم:

- | | | |
|-------------------------------------------------------------|--------------------------------|--------------------------------|
| ۱- اگر در تعریف مربع بگوییم شکل چهار ضلعی | جامع: <input type="checkbox"/> | مانع: <input type="checkbox"/> |
| ۲- اگر در تعریف شکل بگوییم مثلث سه ضلعی | جامع: <input type="checkbox"/> | مانع: <input type="checkbox"/> |
| ۳- اگر در تعریف مسلمان بگوییم معتقدان به امامان دوازده‌گانه | جامع: <input type="checkbox"/> | مانع: <input type="checkbox"/> |
| ۴- اگر در تعریف اسم بگوییم کلمه‌ی دارای معنی مستقل | جامع: <input type="checkbox"/> | مانع: <input type="checkbox"/> |
| ۵- اگر در تعریف تصور بگوییم آن چه بر ما معلوم و آشکار است | جامع: <input type="checkbox"/> | مانع: <input type="checkbox"/> |

پاسخ‌ها: دو روش برای حل درست و سریع این سؤال‌ها وجود دارد. در هر سؤالی خواهیم گفت با چه روشی حل می‌کنم. سعی کنید به هر دو روش مسلط شوید.

۱. روش اول: آیا همه مربع‌ها، «شکل» و «چهار ضلعی» هستند؟ پاسخ آری است، پس جامع هست (یعنی همه‌ی مربع‌ها را شامل می‌شود). حال باید بدانیم آیا در دو مفهوم «شکل» و «چهار ضلعی»، جز مربع چیزهای دیگری نیز هست؟ پاسخ آری است. چرا؟ چون لوزی، مستطیل و بقیه اشکال چهارضلعی نیز در این تعریف وجود دارد پس این تعریف مانع نیست (یعنی مانع ورود اغیار - دیگران - به تعریف مربع نشده است). در واقع اگر شما در این تعریف (شکل چهار ضلعی) فقط یک مورد پیدا کنید که در معرف (مربع) جای نداشته باشد؛ آن تعریف مانع نخواهد بود.

۲. باز همان روش اول: می‌پرسیم آیا همه‌ی شکل‌ها، مثلث سه ضلعی هستند؟ می‌دانیم که پاسخ این است که همه نه! بلکه برخی از شکل‌ها، مثلث سه ضلعی هستند. پس جامع نیست. (یعنی «مثلث سه ضلعی» در تعریف شکل، نمی‌تواند همه‌ی انواع شکل را شامل شود). قدم بعدی این است که ببینیم در مصداق‌های دو مفهوم «مثلث» و «سه ضلعی»، می‌توانیم فقط یک مورد پیدا کنیم که به آن شکل نمی‌توان گفت؟ پاسخ منفی است. (یعنی مانع ورود اغیار - دیگران - شده است). پس جامع نیست ولی مانع هست.

۳. **روش دوم:** این بار با شکل این مفهوم را می‌گوییم. خود من در پاسخ به این سؤال‌ها شکل آن را تجسم می‌کنم و پاسخ می‌دهم که سریع‌تر نیز هست. این دایره را مسلمانان در نظر بگیرید:  و بعد بگویید آیا همه‌ی «معتقدان به امامان دوازده‌گانه» در درون این دایره قرار می‌گیرند؟ که پاسخ بله هست. یعنی همه‌ی «معتقدان به



امامان دوازده‌گانه»، مسلمان هستند. پس شکل می‌شود به این حالت:

خوب! این شکل به شما می‌گوید که «معتقدان به امامان دوازده‌گانه» همه‌ی مسلمانان را در بر نمی‌گیرد پس جامع نیست، ولی همه‌ی «معتقدان به امامان دوازده‌گانه» مسلمان هستند و اغیار در این تعریف جای ندارد. پس جامع هست، ولی مانع نیست.

۴. **باز روش دوم:** یک دایره بکشید. نام آن را «اسم» بگذارید. حالا بگویید «کلمه‌ی دارای معنی مستقل» آیا کاملاً در درون این دایره قرار می‌گیرد؟ یعنی «کلمه» و «معنی مستقل» تمامی «اسم»ها را شامل می‌شود؟ پاسخ بله است. پس این تعریف جامع هست. حال بگویید آیا دو مفهوم «کلمه» و «معنی مستقل» به جز اسم به چیز دیگری نیز اطلاق می‌شود؟ پاسخ بلی است. چرا که فعل نیز همانند اسم، هم کلمه است و هم معنی مستقل دارد. پس این تعریف، مانع ورود دیگران (یعنی فعل) نشده است. پس جامع هست، ولی مانع نیست.

۵. **باز روش اول:** اگر در تعریف تصور بگوییم: «آن چه بر ما معلوم و آشکار است» این تعریف شامل همه‌ی تصورها نمی‌شود. چرا؟ چون که برخی تصورها وجود دارد که ما آن‌ها را نمی‌شناسیم. مثلاً تصور «اگزستانسیالیسم» برای شما ممکن است معلوم و آشکار نباشد. پس این تعریف، شامل همه‌ی تصورها نمی‌شود و جامع نیست. از طرف دیگر «آن چه بر ما معلوم و آشکار است» فقط و فقط به تصور گفته نمی‌شود. چرا که من یک مورد سراغ دارم که «بر ما معلوم و آشکار است» ولی تصور نیست. حدس زدید؟ بله! برخی از «تصدیق‌ها» بر ما معلوم و آشکار هستند. همین یک مورد را که پیدا کردیم می‌توانم بگویم که این تعریف مانع نیست. پس نه جامع هست و نه مانع.

الان زمانی است که می‌توان هم به مقایسه‌ی تصور و تصدیق دست زد و هم مفاهیم جدیدی را یاد داد. مطلب زیر را به دقت مطالعه کنید:

دو مقایسه

مقایسه تصور و تصدیق:

انواع علم	کاربرد	نقش
تصور	تعریف	مشخص کردن چیستی یک مفهوم
تصدیق	استدلال	رسیدن به حکم و قضاوت جدید

مقایسه‌ی انواع کارکرد تفکر:

انواع کارکرد تفکر	بر اساس	نقش
تعریف	تصورات	روشن کردن مجهولات
استدلال	تصدیقات	رسیدن به نتایج جدید به کمک قضایای مشخص

موضوع و هدف علم منطقی

موضوع (یا مباحث) علم منطق: تشریح دو کارکرد اصلی تفکر یعنی «تعریف» و «استدلال»
 هدف علم منطق: آموزش شیوه‌ی درست اندیشیدن = درست تعریف کردن، «درست استدلال کردن»

رابطه‌ی علم منطق و تعریف

آن چه علم منطق در بخش تعریف بر عهده دارد:

۱. **تبیین** قواعد پنج‌گانه‌ی تعریف است **نه بیان تعریف** هر شیء. این جمله به این معنی است. کار منطق این نیست که تمام مفاهیم موجود در علوم را تعریف کند؛ بلکه، قواعد آن را ارائه می‌کند.
۲. تعریف و تبیین اشیاء هرگز بر عهده‌ی منطق **نبوده** و اگر منطق دانان به تعریف انواع مفاهیم می‌پردازند از **باب آموزش** (مثال) بوده و برای این کار از علوم دیگر کمک گرفته‌اند.

چرا تعریف برخی مفاهیم مشکل است و راه‌حل برطرف کردن آن کدام است؟

- چرایی:** دو دلیل دارد: ۱- پیچیدگی این مفاهیم ۲- برداشتهای گوناگون افراد از این مفاهیم
راه‌حل: دو کار باید کرد: ۱- تسلط بر قواعد منطق ۲- تمرین و تجربه در به‌کارگیری قواعد منطق

موضوعات حاشیه‌ای اما مهم

- اولین کسی که علم را به تصور و تصدیق تقسیم کرد: فارابی
- تقسیم‌بندی فارابی از علم توسط حکیمان و منطق‌دانان بعد از فارابی مورد قبول واقع شد.
- هر رشته‌ی علمی دارای اصطلاحات و مفاهیم مخصوص به خود است که آشنایی و تعریف آن مفاهیم دروازه‌ی ورود به آن علم است.
- هرگاه بخواهیم به تصدیق جدیدی برسیم، «استدلال» می‌کنیم.
- نام‌های دیگر تصدیق: «قضیه» و «جمله»

پرسش‌های تشریحی

تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام عبارت نادرست است

درست نادرست

۴۲. مباحث علم منطق در تشریح دو کارکرد اصلی ذهن بشر، یعنی تصور و تصدیق است. (امتحان نهایی فرداد ۹۳) درست نادرست
۴۳. استدلال از تصورات معلوم تشکیل شده است. (امتحان نهایی دی ۹۱) درست نادرست
۴۴. عبارت «دانش آموزان کلاس سوم انسان» یک تصدیق است. (امتحان نهایی فرداد ۹۱) درست نادرست
۴۵. مجهولات ذهن بشر را می‌توان به دو دسته‌ی «مفاهیم» و «قضایا» تقسیم کرد. (امتحان نهایی فرداد ۹۰) درست نادرست
۴۶. در تصور، حکم و قضاوت وجود دارد. (امتحان نهایی دی ۹۰) درست نادرست
۴۷. مجهولات ذهن بشر را می‌توان به دو دسته‌ی «تصور» و «تصدیق» تقسیم کرد. (امتحان نهایی شهریور ۹۳) درست نادرست
۴۸. «انسان دانا»، «انسان نادان نیست». به ترتیب بیانگر تصور و تصدیق هستند. درست نادرست
۴۹. تفکر برای رسیدن به دانش است. درست نادرست
۵۰. گاهی به جای کلمه‌ی «تصدیق» از «عبارت» و «جمله» استفاده می‌کنیم. درست نادرست
۵۱. دو فعالیت فکری انسان یکی تصور کردن است و دومی تصدیق ساختن. درست نادرست
۵۲. گاهی برای شناساندن یک مفهوم، نمونه‌ی خارجی و مصداق آن را تعریف می‌کنیم. درست نادرست
۵۳. عمل تعریف اختصاص به مراحل اولیه زندگی ما ندارد. درست نادرست
۵۴. یکی از قواعد تعریف: اگر مفاهیم مورد استفاده را برای خودمان روشن باشد، کافی است. درست نادرست
۵۵. یکی از قواعد تعریف: از مفاهیم جزئی شروع کنیم و به مفاهیم عام و کلی‌تر برسیم. درست نادرست
۵۶. در تعریف مستطیل از مفاهیم «انحنا»، «رنگ» و «اندازه» استفاده نمی‌کنیم، چون با حقیقت آن ارتباطی ندارد. درست نادرست

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید (واژگان کلیدی)

۵۷. ادراک انسان بر دو نوع است که عبارتند از: تصوّر و (امتحان نهایی فرداد ۹۳)
۵۸. قواعد حاکم بر دنیای تفکر، نام دارد. (امتحان نهایی فرداد ۹۳)
۵۹. دانشی که طرز کار ذهن را در عمل تفکر تشریح می‌کند، نام دارد. (امتحان نهایی شهریور ۹۳)
۶۰. انسان در فعالیت فکری خود، دو کار انجام می‌دهد که عبارتند از: «تعریف» و «.....». (امتحان نهایی شهریور ۹۳)
۶۱. در علم منطق، به مفهومی که می‌خواهیم آن را تعریف کنیم، «.....» می‌گویند. (امتحان نهایی شهریور ۹۳)
۶۲. مباحث علم منطق یا درباره‌ی است و یا درباره‌ی (امتحان نهایی شهریور ۹۱)
۶۳. انسان برای رسیدن به یک تصدیق جدید، باید کند. درست نادرست
۶۴. در هنگام تصور یک مفهوم، کاری نداریم که آن مفهوم دارد یا ندارد. درست نادرست
۶۵. در هر دوره از زندگی خودمان متناسب با مفاهیم جدیدتری را به کمک تعریف درمی‌یابیم. درست نادرست

موارد سمت راست را با موارد سمت چپ انطباق دهید

۶۶. یک مورد اضافی است. درست نادرست
- | | | | |
|---------------------------------------|---|---|------------------------|
| تصور و تصدیق | ○ | ○ | تعریف و استدلال |
| مفاهیم خارج از معرف را در بر می‌گیرد. | ○ | ○ | تعریف جامع است. |
| انواع تفکر | ○ | ○ | انواع علم |
| همه‌ی مفاهیم درونی را دربر می‌گیرد. | ○ | ○ | تعریف مانع نیست. |
| | ○ | ○ | تعریف جامع و مانع است. |

به پرسش‌های زیر پاسخ‌های کوتاه دهید

۶۷. در تعریف «انسان = حیوان راه رونده»، چه اشکالی وجود دارد؟ (ذکر یک مورد کافی است) (امتحان نهایی فرداد ۹۴)
۶۸. عبارت مقابل، کدام یک از اقسام علم است؟ «دانش آموز سال سوم» (امتحان نهایی فرداد ۹۴)
۶۹. کدام یک از عبارات روبه‌رو، «تصور» است.
الف) «شاعر شیرین سخن شیراز» ب) «سعدی شاعری ایرانی است.»
۷۰. چه اشکالی در تعریف «طوطی: حیوان سخنگو» وجود دارد؟ (امتحان نهایی دی ۹۳)
۷۱. اگر در تعریف «درخت سیب» بگوییم «درختی که میوه دارد»، چه ایرادی به این تعریف وارد است؟ (امتحان نهایی فرداد ۹۳)
۷۲. کدام تعریف، جامع و مانع نیست:
الف) انسان: جسم متفکر ب) انار: میوه‌ی شیرین
۷۳. در تعریف روبه‌رو، کدام یک از قواعد تعریف رعایت نشده است: سخن چین: واشی (امتحان نهایی فرداد ۹۱)
۷۴. در تعریف مقابل، کدام یک از «شرایط تعریف» برای تعریف مربع رعایت نشده است: شکل چهار ضلعی (امتحان نهایی دی ۹۰)
۷۵. دو مورد از قواعد تعریف را که در مثال روبه‌رو رعایت نشده است، بیان نمایید: انسان = مهندس راه‌رونده (امتحان نهایی شهریور ۹۰)
۷۶. تعیین کنید که در هر یک از تعاریف ذیل کدام شرط از شرایط تعریف رعایت نشده است:
الف) عطر: ماده‌ای خوشبو ب) مثلث: شکل سه ضلعی قائم‌الزاویه (امتحان نهایی دی ۹۰)

به پرسش‌های زیر پاسخ‌های کامل دهید

۷۷. تفاوت تصور و تصدیق را تشریح کنید.
۷۸. انواع علم و انواع تفکر را با هم مقایسه کنید.
۷۹. هدف منطق را بنویسید.
۸۰. توضیح دهید که رابطه‌ی مراحل زندگی انسان با امکان تعریف کردن، چیست؟
۸۱. دروازه‌ی ورود به هر علمی چیست؟
۸۲. وقتی می‌گوییم که تعریف باید روشن باشد، منظورمان چیست؟
۸۳. «ربط داشتن» در تعریف منطقی به چه موضوعی اشاره دارد؟
۸۴. نتیجه‌ی استفاده نکردن از مفاهیم درونی در یک تعریف چیست؟
۸۵. جامع و مانع بودن در یک تعریف به چه معنایی است؟
۸۶. نقش منطق در بخش تعریف را توضیح دهید.

به پرسش‌های علت و معلولی زیر پاسخ دهید

۸۷. علت اصلی مشکل بودن تعریف‌های برخی از مفاهیم چیست؟

جداول یا شکل‌های زیر را کامل کنید

۸۸. عبارت‌های زیر را در جای مناسب خود در جدول زیر قرار دهید.

الف) نسبت میان دو چیز را نفی می‌کند.

ب) واقعیت داشتن و نداشتن در آن مطرح است.

پ) خورشید دم غروب خیال انگیز

ت) هوای ابری، برای گشتن و گذار بسیار خوب است.

ث) امان از دست مردم این شهر

تصویر	تصدیق

۸۹. عبارت‌های زیر را در جای مناسب خود در جدول زیر قرار دهید.

الف) تعریف فعل به «کلمه‌ای که بر انجام دادن کار در گذشته یا حال یا آینده دلالت دارد»

ب) تعریف مثلث به «شکلی که محدود به اضلاع است»

پ) تعریف دایره به شکل منحنی

ت) تعریف شیعه: مسلمان معتقد به ۱۲ امام

تعریف فقط جامع	تعریف فقط مانع

سوال‌های کنکور و تکمیلی

تصور و تصدیق

۹۰. «برای آگاهی از مفهوم» و «آگاهی از معنای آن» به ترتیب نیاز به کدام نوع از علم داریم؟
 ۱ تصور - تصدیق ۲ تصدیق - تصور ۳ تصور - تصور ۴ تصدیق - تصدیق
 تکمیلی
۹۱. آن هنگام که به «واقعیت داشتن و واقعیت نداشتن مفهومی کاری نداریم» و آن هنگام که «کاری نداریم که مفهومی با واقعیت رابطه‌ای دارد یا ندارد» به ترتیب در مورد کدام نوع از علم و یا فکر سخن می‌گوییم؟
 ۱ تعریف - تصدیق ۲ تعریف - تصور ۳ تصور - تصور ۴ تصدیق - استدلال
 تکمیلی
۹۲. وقتی با واقعیت مفهوم سر و کار پیدا می‌کنیم، پای یک به میان می‌آید، که
 ۱ تصدیق - در آن نوعی قضاوت وجود دارد. ۲ جمله - از سه تصور تشکیل شده است.
 ۳ تصدیق - به معنای «جمله» در دستور زبان است. ۴ تصور - درباره‌ی هستی آن سؤال شده است.
 سراسری - ۹۳
۹۳. کاری که انسان انجام می‌دهد تا به ... و ... برسد، استدلال نامیده می‌شود.
 ۱ مجموع تصورات - تصدیق ۲ حکم - تصدیق
 ۳ حکم - مجموع تصورات ۴ مجموع تصورات - تعریف
 کنکاشی
۹۴. در رابطه با تصور و تصدیق کدام عبارت درست است؟
 ۱ تصوّر بدون تصدیق محال است ۲ تصوّر بدون تصدیق در حکم جهل است.
 ۳ هر تصدیقی مستلزم حداقل ۵ تصوّر است. ۴ هر تصدیقی مستلزم حداقل ۳ تصوّر است.
 مفهومی
۹۵. در کدام قسم از علم، نسبت نهفته است؟
 ۱ تصور ۲ بدیهی ۳ اکتسابی ۴ تصدیق
 کنکاشی
۹۶. در تصدیق «کره‌ی ماه برگرد زمین می‌چرخد.» تصور نسبت کدام است؟
 ۱ برگرد زمین ۲ گردش زمین به دور ماه ۳ به گرد زمین چرخیدن ماه ۴ زمین
 مفهومی
۹۷. کاری که برای رسیدن به چستی یک مفهوم انجام می‌دهیم ... نامیده می‌شود و با ... به نتیجه‌ی آن می‌رسیم.
 ۱ تعریف - تصدیق ۲ تعریف - فکر کردن ۳ استدلال - فکر کردن ۴ استدلال - تصدیق
 تکمیلی
۹۸. آن گاه که قضایای معلوم، یاور و مدد رسان انسان به کشف قضیه‌ی مجهول قرار گیرد و آن گاه که تصورات معلوم، وسیله فهم تصور مجهول شود، به ترتیب، کدام امر تحقق پیدا می‌کند؟
 ۱ تصرف ذهن در معلومات تصدیقی (استدلال) - تصرف ذهن در معلومات تصویری (تعریف)
 ۲ تصرف ذهن در معلومات تصدیقی (استدلال) - تصرف ذهن در معلومات تصویری (استدلال)
 ۳ وسیله قرار دادن تصورات معلوم (تعریف) - وسیله قرار دادن تصدیقات معلوم (استدلال)
 ۴ وسیله قرار دادن تصورات معلوم (استدلال) - وسیله قرار دادن تصدیقات معلوم (تعریف)
 سراسری ۸۷ تاریخ از کشور

مباحث و هدف منطق

۹۹. «مباحث علم منطق» و «هدف منطق» به ترتیب کدام‌اند؟
 ۱ تصور و تصدیق - تعریف و استدلال درست کردن و درست استدلال کردن
 ۲ تعریف و استدلال - درست تعریف کردن و درست استدلال کردن
 ۳ تعریف و استدلال - درست تصور کردن و ساختن تصدیق درست
 ۴ تصور و تصدیق - درست تصور کردن و ساختن تصدیق درست
 کنکاشی

۱۰۰. به طور کلی خطایی که در فکر کردن روی می‌دهد، در چه مواردی است؟
 مفهومی
- ۱) وقتی که مفهومی مبهم را در ذهن تصور می‌کنیم و آن هنگام که حکمی را می‌خواهیم به طور دقیق ارائه کنیم.
 - ۲) آن زمان که به اندیشیدن روی می‌آوریم در هر مرحله امکان خطا داریم و این خطاها به طور کلی اجتناب‌ناپذیر هستند.
 - ۳) در دو صورت خطا روی می‌دهد: خطاهای تصویری که ناشی از فهم نادرست است و خطاهای استدلالی که ناشی از مغلطه است.
 - ۴) برای آشکار کردن تصورات مجهول از روی اندوخته‌های تصویری و برای رسیدن به نتایج جدید با سازماندهی احکام و قضایای مشخص
۱۰۱. تقسیم علم به تصور و تصدیق نخستین بار توسط کدام حکیم صورت گرفته است؟
 حافظه‌ای
- ۱) خواجه‌نصیر
 - ۲) ابونصر فارابی
 - ۳) ابوعلی سینا
 - ۴) حاج ملاهادی سبزواری

ویژگی‌های تعریف

۱۰۲. انسان در فعالیت‌های فکری خود یا مفهومی را می‌کند و یا برای رسیدن به حکمی می‌کند، که هر دو ما را گسترش می‌دهند.
 کنکاشی
- ۱) تعریف - استدلال - علم
 - ۲) تصور - تصدیق - ادراکات
 - ۳) تصور - تصدیق - بینش
 - ۴) تعریف - استدلال - منطق
۱۰۳. برای شناساندن یک مفهوم چند راه وجود دارد و نام آن‌ها کدام است؟
 کنکاشی
- ۱) فقط یک راه: تعریف کردن
 - ۲) دو راه: نشان دادن مصداق آن و تعریف کردن
 - ۳) دو راه: نشان دادن مفهوم آن و استدلال کردن
 - ۴) سه راه: نشان دادن مصداق آن، تعریف و استدلال کردن
۱۰۴. کدام یک از موارد زیر در مورد مبحث تعریف در منطق صحیح نیست؟
 کنکاشی - مفهومی
- ۱) عمل تعریف به مراحل از زندگی ما اختصاص دارد که از نظر ذهنی توانایی درک آن را داشته باشیم.
 - ۲) در هر دوره متناسب با آگاهی و دانش خود، مفاهیم جدیدتری را به تعریف می‌کشانیم.
 - ۳) دروازه‌ی ورود به هر علمی آشنایی و تعریف مفاهیم مخصوص به آن علم است.
 - ۴) ارسطو کشف کرد که ما در موقع تعریف کردن قواعد خاصی را رعایت می‌کنیم.
۱۰۵. نقش ارسطو در تعریف منطقی در کدام مورد به درستی آمده است؟
 کنکاشی
- ۱) او تلاش کرد تا طرز کار ذهن در هنگام تعریف کردن را شناسایی کند.
 - ۲) او قواعدی را ایجاد کرد که ذهن انسان در انجام عمل تعریف به آن مقید باشد.
 - ۳) او کشف کرد که ما در موقع تعریف کردن قواعدی را ایجاد کرده و به آن پایبند می‌مانیم.
 - ۴) او در بیان شرایط تعریف به اصولی توجه کرد که زیربنای منطقی داشته و آن را مبنایی برای تعریف دانست.
۱۰۶. مجموع تصورات معلوم که منجر به کشف مجهول می‌شود چه نام دارد و از انواع کدام مورد است؟
 تدبیری
- ۱) معرفت - از انواع تفکر
 - ۲) معرفت - از انواع تصور
 - ۳) معرفت - از انواع تصور
 - ۴) معرفت - از انواع تفکر
۱۰۷. به ترتیب بگویید اولین مرحله برای یادگیری یک رشته‌ی علمی چیست و دروازه‌ی ورود به هر علم کدام است؟
 کنکاشی
- ۱) آشنایی با تعاریف و استدلال‌های پایه‌ای آن - شناخت اصطلاحات خاص آن علم
 - ۲) آشنایی با تعاریف و استدلال‌های پایه‌ای آن - بررسی مبانی و روش‌های خاص آن
 - ۳) شناخت اصطلاحات خاص آن علم - شناخت اصطلاحات خاص آن علم
 - ۴) شناخت اصطلاحات خاص آن علم - آشنایی با تعاریف و استدلال‌های پایه‌ای آن

قواعد تعریف

۱۰۸. در تعریف کردن یک مفهوم نباید کلماتی به کار ببریم که از باشد.
 تدبیری
- ۱) معرفت - مبهم‌تر
 - ۲) معرفت - مبهم‌تر
 - ۳) معرفت - آشکارتر
 - ۴) معرفت - آشکارتر
۱۰۹. در تعریف «مثلث»، «فعل» و «تصور» به «سه پاره خط که یکدیگر را در سه نقطه قطع می‌کنند» و «کلمه‌ای که انجام کاری یا وقوع حالتی را بیان می‌کند» و «یکی از اقسام فکر» به ترتیب میتوان گفت
 سراسری - ۹۱
- ۱) صحیح است - جامع نیست - مانع نیست
 - ۲) صحیح است - مانع نیست - مانع نیست
 - ۳) بی‌ربط است - مانع نیست - بی‌ربط است
 - ۴) بی‌ربط است - جامع نیست - بی‌ربط است

۱۱۰. هرگاه فعل را به «کلمه‌ای که بر انجام دادن کار در گذشته یا حال یا آینده دلالت دارد»، تعریف کنیم کدام یک از شرایط تعریف، رعایت نشده و تعریف انسان به «حیوان هنرمند» چگونه تعریفی است؟
 سراسری ۸۶ و آزاد - ۶۸
- ۱) معرفت نباید اعم از معرفت باشد - حد ناقص
 ۲) معرفت نباید اخص از معرفت باشد - حد ناقص
 ۳) معرفت نباید اعم از معرفت باشد - رسم تام
 ۴) معرفت نباید اخص از معرفت باشد - رسم تام
۱۱۱. تعریف باید جامع باشد؛ یعنی
 سراسری خارج از کشور - ۹۳
- ۱) مصادیق متعددی نداشته باشد.
 ۲) مفاهیم بی ارتباط را در بر نگیرد.
 ۳) افراد معرفت خارج از آن قرار نگیرد.
 ۴) محتوای مفهوم را به طور کامل در برگیرد.
۱۱۲. هنگامی که انسان مفهومی را تعریف می‌کند،
 کنکاشی
- ۱) در صورتی که تعریف جامع و مانع باشد، درست است.
 ۲) باید قبل از هر کاری، مفهوم مجهول را شناخته باشد.
 ۳) لازم نیست همه‌ی قواعد تعریف را رعایت کند.
 ۴) گاهی نسبت به آن مفهوم ناچار است که از کلمات مبهم استفاده کند.
۱۱۳. هرگاه معرفت شامل غیر و بیگانه نشود، خواهد بود.
 کنکاشی
- ۱) افراد - مساوی
 ۲) افراد - مانع
 ۳) تصورات - مانع
 ۴) تصورات - مساوی
۱۱۴. تعریفی که رابطه‌ی میان معرفت و معرفت تساوی نباشد چگونه تعریفی است؟
 مفهومی
- ۱) مانع
 ۲) جامع و مانع
 ۳) نه جامع و نه مانع
 ۴) جامع
۱۱۵. هرگاه «تعریف» ما از یک مفهوم به گونه‌ای باشد که «فقط بعضی از مصادیق مجهول را شامل شود» و «افراد و مصادیق بی‌ارتباط را نیز دربرگیرد»، و و در ترکیب مفاهیم و تصورات، شروع کار با مفاهیم ... است.
 سراسری خارج از کشور - ۹۰
- ۱) مانع - جامع - نیست - کلی
 ۲) مانع - جامع - است - جزئی
 ۳) جامع - مانع - است - جزئی
 ۴) جامع - مانع - نیست - کلی
۱۱۶. در تعریف اگر از مفهوم «ذاتی» استفاده نشود
 سراسری خارج از کشور - ۹۲
- ۱) تعریف جامع نیست.
 ۲) مجهول معلوم نمی‌شود.
 ۳) تعریف به حد نشده است.
 ۴) باید از چند عرضی استفاده شود.
۱۱۷. «در چه صورتی نمی‌توانیم تعریف دقیقی از یک مفهوم ارائه کنیم» و «در ترکیب مفاهیم و تصورات به چه دلیلی از مفاهیم عام به سمت مفاهیم جزئی‌تر حرکت می‌کنیم؟»
 مفهومی
- ۱) در صورتی که از قواعد خاص تعریف به درستی استفاده نکنیم. - تا قواعد منطقی تعریف را به درستی رعایت کرده باشیم.
 ۲) در صورتی که از قواعد خاص تعریف به درستی استفاده نکنیم. - ذهن آدمی در مسیر طبیعی خود به این امر دست پیدا می‌کند.
 ۳) مفاهیم به کار گرفته حقیقت و ماهیت مفهوم را در بر نگیرد. - ذهن به طور طبیعی این کار را انجام می‌دهد.
 ۴) مفاهیم به کار گرفته حقیقت و ماهیت مفهوم را در بر نگیرد. - تا قواعد منطقی تعریف را به درستی رعایت کرده باشیم.
۱۱۸. در تصور «فعل»، از میان مفاهیم «دارای معانی مختلف»، «کلمه» و «فعل» تصور می‌شود.
 سراسری خارج از کشور - ۹۳
- ۱) ابتدا «کلمه»، سپس «فعل» و پس از آن «دارای معانی مختلف»
 ۲) ابتدا «فعل»، سپس «کلمه» و بعد از آن «دارای معانی مختلف»
 ۳) ابتدا «کلمه»، سپس «دارای معانی مختلف» و بعد از آن «فعل»
 ۴) «کلمه» و «فعل» با یکدیگر و «دارای معانی مختلف» پس از آنها
۱۱۹. آنگاه که درباره‌ی تعریف «آدمیت یا انسانیت» سخن می‌گوییم، کدام عبارت درست خواهد بود؟
 مفهومی - کنکاشی
- ۱) با کمال دقت می‌توان آن را تعریف کرد.
 ۲) هرگز قابلیت تعریف نخواهد داشت.
 ۳) احتمال برداشت‌های متفاوت را خواهد داشت.
 ۴) در صورت علم به قواعد تعریف امکان تحقق دارد.
۱۲۰. به چه دلیل منطق‌دانان پای خود را از قلمرو علم منطق فراتر نهداد و به تعریف انواع مفاهیم پرداخته‌اند؟
 مفهومی
- ۱) از باب درک کلی مفاهیم
 ۲) از باب نیاز سایر علوم
 ۳) از باب وظیفه
 ۴) از باب آموزش
۱۲۱. «جسم نامی حساس» در تعریف حیوان تعریفی است؛
 آزاد - ۸۴
- ۱) جامع و مانع
 ۲) فقط جامع
 ۳) فقط مانع
 ۴) نه جامع و نه مانع
۱۲۲. تعریف مثلث به «شکلی که محدود به سه ضلع است» تعریفی است؛
 سراسری - ۶۷
- ۱) جامع
 ۲) جامع و مانع
 ۳) مانع
 ۴) نه جامع نه مانع

۱۲۳. در مفهوم مثلث، مفاهیم سه زاویه داشتن، متساوی الساقین بودن و سه ضلعی بودن، به ترتیب ... و ... و ... تصور مثلث هستند.

سراسری - ۹۱

- ۱) مقدم بر، مقدم بر، مقدم بر
 ۲) موخر از، موخر از، مقدم بر
 ۳) مقدم بر، موخر از، مقدم بر
 ۴) موخر از، مقدم بر، موخر از

۱۲۴. هرگاه «مربع» را به «شکلی که چهار ضلع مساوی دارد» و «زمین» را به «سیاره ای که دور خورشید میچرخد» تعریف کنیم تعریف ما به ترتیب ... و «موضوع» در قضیه مورد نظر به ترتیب ... و ... است.

سراسری - ۹۰

- ۱) جامع - مانع - نیست - جزئی - کلی
 ۲) جامع - جامع - است - کلی - جزئی
 ۳) مانع - مانع - نیست - جزئی - کلی
 ۴) مانع - جامع - است - کلی - جزئی

۱۲۵. اگر در تعریف دوزنقه بگوییم «شکل چهارضلعی که فقط دو ضلع آن با هم موازی باشند» چگونه تعریفی است؟

مفهومی

- ۱) جامع
 ۲) مانع
 ۳) نه جامع نه مانع
 ۴) جامع و مانع

۱۲۶. کدام یک از تعاریف زیر مانع دخول اغیار در تعریف می‌باشد؟

مفهومی

- ۱) شکل محدود به چهارضلع مساوی در تعریف لوزی
 ۲) شکل محدود به چهار ضلع در تعریف مربع
 ۳) شکل محدود به سه ضلع در تعریف مثلث
 ۴) شکلی که محیط آن منحنی است در تعریف دایره

۱۲۷. تعریف دایره به (خط منحنی بسته که همه نقاط آن از مرکز به یک فاصله باشد) تعریفی است.

آزاد - ۷۸ و ۸۲

- ۱) نه جامع و نه مانع
 ۲) جامع
 ۳) مانع
 ۴) جامع و مانع

۱۲۸. در تعریف دایره به (شکلی است که محیط آن منحنی است) کدام گزینه صحیح است؟

آزاد - ۸۳

- ۱) مانع دخول اغیار است.
 ۲) مانع دخول اغیار نیست.
 ۳) جامع و مانع است.
 ۴) نه جامع و نه مانع

۱۲۹. در بیان شرایط تعریف: اعم نبودن، اخص نبودن و مابین نبودن معرف از معرف به ترتیب، اشاره به کدام گزینه دارد؟

کتابش

- ۱) جامع افراد - مانع اغیار - عموم و خصوص مطلق
 ۲) مانع اغیار - جامع افراد - تساوی
 ۳) جامع افراد - مانع اغیار - تساوی
 ۴) مانع اغیار - جامع افراد - عموم و خصوص مطلق

۱۳۰. در تعریف به اعم (فقط جامع) و تعریف به اخص (فقط مانع) به ترتیب بگوئید بین معرف و معرف، کدام یک از نسبت‌های چهارگانه برقرار است؟

مفهومی

- ۱) تساوی - عموم و خصوص مطلق
 ۲) تباین - عموم و خصوص من وجه
 ۳) هر دو عموم و خصوص مطلق
 ۴) هر دو عموم و خصوص من وجه

۱۳۱. اگر در تعریف علم، تعریف تصدیق را بگوییم و در تعریف علم، تعریف استدلال را بگوییم، به ترتیب، این تعاریف چه ویژگی خواهند داشت؟

مفهومی

- ۱) جامع - بی ربط
 ۲) مانع - بی ربط
 ۳) بی ربط - بی ربط
 ۴) جامع - مانع

۱۳۲. تعریف آب به «مایعی مفید» تعریفی است؟

سراسری - ۶۹

- ۱) جامع
 ۲) مانع
 ۳) جامع و مانع
 ۴) نه جامع و نه مانع

۱۳۳. تصور ذهنی ما از امور مختلف ... نام دارد و نسبت‌های چهارگانه منطقی (نسب اربع) از ... حادث می‌شوند.

سراسری - ۸۷

- ۱) مفهوم - تصدیق دو کلی
 ۲) مصداق - تصدیق دو کلی
 ۳) مفهوم - تصور دو کلی
 ۴) مصداق - تصور دو کلی